

Typology of Spiritual Realms in Islamic Ascension Narratives and Zoroastrian Revelatory Texts

✉ **Ali Farsi Madan**  / Assistant Professor, Department of Comparative Jurisprudence, University of Religions and Denominations a.farsi@urd.ac.ir

Rahman Qasemi / Ph.D. Candidate in Comparative Jurisprudence, Faculty of Denominations, University of Religions and Denominations monjiyedin@gmail.com

Mahdi Elmi Daneshvar / Assistant Professor, Department of Eastern Religions, University of Religions and Denominations m.daneshvar@urd.ac.ir

Received: 2024/06/12 - **Accepted:** 2024/08/26

Abstract

The concept of ascension (Mi'raj) is present in various religions, particularly Islam and Zoroastrianism. This descriptive-analytical study seeks to answer the question: What is the typology of spiritual realms in Islamic ascension narratives and Zoroastrian revelatory texts? Islamic ascension texts discuss themes such as Hell, encounters with angels, Paradise, communion with God, traversing seas of light and darkness, icy realms, and visions of prophets' spirits. Zoroastrian texts describe Hell with scenes of sinful women, dialogues with Ameshaspands (divine entities), Paradise, encounters with Ahura Mazda, passage through a fiery furnace or mountain, molten metal poured on chests, and disembowelment, as well as the realm of spirits. Zoroastrian texts mention multiple individuals undergoing ascension, while in Islam, ascension is uniquely attributed to the Prophet Muhammad (PBUH), with no such accounts for figures like the infallible Imams (AS). Zoroastrian ascension narratives focus on prophetic visions of the future and revelations of truth, as seen in Ardaviraf's Vision, which details observations of Heaven, Hell, and the punishments of the blessed and damned. Islamic sources assert the Prophet's ascension as both physical and spiritual, whereas Zoroastrian ascensions occur through dreams or visionary states. According to various narrations, the Prophet Muhammad (peace be upon him) ascended to heaven many times; however, in Zoroastrianism, only one ascension is mentioned for those who have gone on this spiritual journey. Shi'a scholars emphasize the Prophet's ascension in a wakeful state, contrasting with Zoroastrian ascensions framed as mystical revelations or dreams.

Keywords: typology, Mi'raj, Islam, Zoroastrianism.

نوع مقاله: پژوهشی

گونه‌شناسی عوالم معنوی در احادیث معراجیه اسلامی و متون مکاشفه‌ای زرتشتی

✉ علی فارسی مدان  / استادیار گروه حقوق و فقه مقارن دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب

رحمان قاسمی / دانشجوی دکتری رشته مذاهب فقهی، گرایش فقه مقارن و مبانی حقوق دانشکده مذاهب، دانشگاه ادیان و مذاهب

monjiyedin@gmail.com

m.daneshvar@urd.ac.ir

مهدی علمی دانشور / استادیار گروه ادیان شرق دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب

دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

چکیده

معراج در ادیان مختلف، به‌ویژه اسلام و آیین زرتشت، مطرح است. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال پاسخ دهد که گونه‌شناسی عوالم معنوی در احادیث معراجیه اسلامی و متون مکاشفه‌ای زرتشتی چیست؟ در متون معراجی اسلام مباحثی مانند دوزخ، دیدار با فرشتگان، بهشت، مناجات با خداوند، عبور از دریاها، نور و ظلمت و دریاهایی از برف و یخ، و مشاهده ارواح پیامبران مطرح است. در متون زرتشتی نیز مباحثی چون دوزخ و صحنه‌هایی از زنان بدکار، هم‌سخنی با امشاسپندان، بهشت، دیدار و صحبت با اهورامزدا، گذشتن از کوره یا کوهی از آتش، ریختن روی گداخته بر سینه و پاره کردن شکم با کارد، و دنیای ارواح آمده است. در متون زرتشتی از عروج چند نفر و حالات آنها صحبت به‌میان آمده است؛ حال آنکه در اسلام معراج از ویژگی‌های پیامبر ﷺ است و در مورد افراد شاخص مانند امامان معصوم ﷺ سخنی از معراج بیان نشده است. محتوای معراج زرتشتی، در واقع پیشگویی از آینده و به‌دست آمدن حقیقت اشیا بوده و در معراج ارداویراف از مشاهدات وی در مورد بهشت و دوزخ و شرح مجازات بهشتیان و دوزخیان سخن رفته است. طبق آیات و روایات، معراج پیامبر اسلام ﷺ جسمانی و روحانی بوده؛ ولی در دین زرتشت، افرادی که برایشان ادعای عروج به عوالم معنوی شده است، در عالم خواب و رؤیا این مسیر را طی کرده‌اند. تعداد معراج پیامبر اسلام ﷺ در روایات، متفاوت و متعدد بیان شده است؛ اما در دین زرتشت در مورد افرادی که به این سفر معنوی رفته‌اند، به یک سفر اشاره شده است. مفسران و علمای شیعه معتقد به عروج آن حضرت در حالت بیداری‌اند؛ ولی عروج در دین زرتشت از نوع مکاشفه، خواب و رؤیاست.

کلیدواژه‌ها: گونه‌شناسی، معراج، اسلام، دین زرتشتی.

مقدمه

معراج موضوعی مهم در ادیان مختلف، به‌ویژه اسلام به‌شمار می‌آید که چگونگی آن همیشه سؤال بوده است. با توجه به گزاره‌های تاریخی و دینی، یکی از اهداف معراج، هدایت بشر است و مسیر پرتلاطم تا رسیدن به هدف غایی و رشد روحی و معنوی را می‌توان در این موضوع یافت؛ لذا بررسی این مقوله می‌تواند رهیافتی برای تکامل مباحث روحی و رشد اخلاقی بشریت باشد. معراج در حوزه دین‌شناسی و باورهای دینی همیشه مورد نقد و بررسی بوده است و در این مبحث در زمینه کمیت و کیفیت آن، اختلافاتی در تاریخ و منابع تحقیقی دیده می‌شود. موضوع معراج، از آنجاکه مورد توجه سایر ادیان، از جمله دین زرتشت نیز می‌باشد، برای محققین حائز اهمیت است.

معراج در مطالعات ادیان تبیین شده است که این امر نشان از جایگاه خاص آن دارد؛ چنان‌که در اسلام در سوره‌های مختلف قرآن، از جمله سوره اسراء، به عروج ملکوتی پیامبر ﷺ اشاره می‌شود یا در دین زرتشت، ارداویراف‌نامه و سایر متون عهده‌دار بیان این موضوع‌اند. در قرآن کریم به‌صراحت به معراج پیامبر اکرم ﷺ پرداخته شده و روایات متعددی از امامان معصوم ﷺ در این زمینه نقل شده است که بررسی این متون، به دلیل دسترسی به حالات مختلف روحی و معنوی در معراج، دارای اهمیت علمی فراوانی است؛ همچنین کتب و مباحث بسیاری از عالمان دینی و محققان در این عرصه وجود دارد.

در دین زرتشت، متون کمی به معراج زرتشت اشاره کرده‌اند و آورده‌اند که وی در سی‌سالگی در مسیر سیر و سلوک قرار گرفت و فرشته مقرب او را به حضور اهورامزدا هدایت کرد. در زمانی دیگر، پس از حمله اسکندر، موبد ارداویراف به دلیل ارتباط با عالم بالا انتخاب می‌شود و در مکاشفه‌ای روحانی قرار می‌گیرد. در کتیبه کرتیر نیز به عروج عرفانی کرتیر پرداخته شده است. اینها نمونه‌هایی از عروج در دین زرتشت تلقی می‌شوند.

تحقیق در این موضوع می‌تواند ما را به نکات خوبی، از جمله کمیت، کیفیت، نوع و انگیزه‌های معراج ناآل کند. با توجه به گزاره‌های دینی و تاریخی، حاصل معراج تکامل بشر بوده و تبلور کامل معراج، عروج حضرت رسول اکرم ﷺ در دین اسلام است. پیام معراج توانایی عروج انسان به‌تبع انسان کامل، یعنی پیامبر اکرم ﷺ است و بیان معراج در ادیان مختلف، مخصوصاً زرتشتی، نشانگر وجود این امر در ادوار مختلف است که نوید ارتقای معنوی نوع انسان به مراحل بالاتری از انسانیت است.

در موضوع گونه‌شناسی عوالم معنوی، کتاب یا مقاله مستقلی تاکنون نوشته نشده؛ اما درباره معراج نبی اسلام ﷺ مباحث زیادی مطرح شده است. در قرآن کریم دو سوره اسراء و نجم به معراج رسول خدا ﷺ پرداخته‌اند و مطالب پراکنده‌ای در کتاب‌های تفسیر در فرق تشیع و تسنن در این موضوع دیده می‌شود. در میان پژوهش‌ها درباره معراج می‌توان به کتاب پرتویی / از معراج، اثر جناب آقای عبدالعلی محمدی شاهرودی، اسرار معراج پیامبر / اسلام، اثر

حاج شیخ علی قرنی گلپایگانی، معراج پیامبر ﷺ، تألیف علیرضا زکی زاده، پایان نامه حقیقت معراج در ادیان و عرفان، از محمدحسین رفیع، و پایان نامه بررسی تطبیقی معراج از دیدگاه فریقین، از عبدالله اسماعیلی اشاره کرد. درباره معراج در دین زرتشت، به صورت پراکنده در منابع زرتشتی مباحثی کوتاه نقل شده است؛ ولی کتاب و متن جامعی در این موضوع وجود ندارد. هرچند کتابها و مقالات بسیاری در موضوع معراج نوشته شده، اما به صورت تطبیقی درباره انواع معراج و متون موجود در این زمینه بحثی مستقل مطرح نشده است. از این رو اثر حاضر نخستین تحقیق تطبیقی درباره «گونه شناسی عوالم معنوی در احادیث معراجیه اسلامی و متون مکاشفه ای زرتشتی» است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. معراج

این واژه در کتب لغت از ریشه «عرج» و به معنای درجه و نردبان (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۱۲۰) و بالا رفتن (ابن فارس، ۱۳۸۹ق، ج ۴، ص ۱) آمده است. در اصطلاح، به سیر و عروج پیامبر اسلام ﷺ به سوی آسمان گفته شده است (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۴۵، ص ۷۱۱). مفهوم «معراج» در فرهنگ دین با برخی دیگر از مفاهیم ارتباط معنایی دارد. از جمله این مفاهیم، «اسراء» است. «اسراء» در کتب لغت به معنای «سیر در شب» و «شبانه کسی را بردن» آمده است (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱۶).

۱-۲. مکاشفه

«مکاشفه» از ریشه «کشف» در لغت به معنای «رفع الشیء عما یواریه و یغطیه»؛ یعنی کنار زدن ستر و پوشش شیء (الزبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱، ص ۶۵۴) یا رفع حجاب (قیصری رومی، ۱۳۸۶، ص ۷۰۱) و آشکار کردن، فاش کردن و معلوم کردن است. «مکاشفه» در اصطلاح به معنای دستیابی به علوم یا معارف از راه غیرعادی است. قیصری در معنای اصطلاحی آن بر آگاهی از ماورای حجاب، یعنی معانی غیبی و امور واقعی، تأکید می کند؛ چه وجدانی باشد، چه با مشاهده (قیصری رومی، ۱۳۸۶، ص ۷۰۱).

۲. معراج رسول اکرم ﷺ در متون اسلامی

در متون اسلامی، بحث معراج در خصوص رسول اکرم، حضرت محمد ﷺ، بیان شده است. حضرت محمد ﷺ در هفدهم - و به روایتی دوازدهم - ربیع الاول عام الفیل (۵۷۰ سال پس از میلاد مسیح) در شهر مکه تولد یافت. در چهل سالگی از طرف خدا به مقام رسالت و نبوت مبعوث شد و مأمور تبلیغ دین الهی و ابراهیمی اسلام گشت (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۷۳). در آیات قرآن کریم (اسراء: ۱، نجم: ۷) به معراج آن حضرت پرداخته شده است.

خداوند در آیه اول سورة اسراء (سُبْحَانَ الَّذِیْ أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَیْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِی بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِیْهِ مِنْ آیَاتِنَا) و آیه هجدهم سورة نجم (لَقَدْ رَأَى مِنْ آیَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى)، هدف معراج را بیان می کند. در

سوره اسراء نشان دادن آثار و عظمت خداوند و در سوره نجم مشاهده آیات الهی هدف معراج بیان شده است. علامه طباطبائی اشاره می‌کند به اینکه پیامبر خدا ﷺ شاهد تنها برخی از آیات الهی بودند و نشانه‌های عظمت الهی آن قدر بی‌انتهاست که حتی پیامبر ﷺ نیز توان دستیابی به تمام آنها را ندارد. این نکته از «من» تبعیضیه برداشت می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۵ق، ج ۱۳، ص ۷).

در مورد تعداد معراج‌های رسول خدا ﷺ، با توجه به بعضی احادیث و آیات قرآن، می‌توان چنین نتیجه گرفت که معراج یک بار نبوده است. تعداد معراج پیامبر ﷺ در روایات، متفاوت و متعدد بیان شده است و تعداد آن را دو (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۲۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۳۰۶، ح ۱۳) تا ۱۲۰ بار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۴۰۵، ح ۱۱۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۹۱؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ص ۶۰۰ ح ۳) بیان کرده‌اند. علاوه بر روایات، آیه «وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى» (نجم: ۱۳) نیز دلیل دیگری بر دو بار بودن معراج دانسته شده است (طباطبائی، ۱۳۷۵ق، ج ۱۹، ص ۳۱).

درباره کیفیت معراج، بیشتر مفسران و عالمان شیعی، مانند علامه طباطبائی (۱۳۷۵ق، ج ۱۳، ص ۵۳۷)، شیخ صدوق (۱۳۷۶، ص ۷۳۹)، شیخ طوسی (۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۶۶) و طبرسی (۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۹۱) و نیز بیشتر عالمان اهل تسنن، مانند سیوطی (۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۹۵)، زمخشری (۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۸) و فخر رازی (۱۳۷۱ق، ج ۲۰، ص ۱۴۷) به عروج آن حضرت در بیداری اعتقاد دارند. علامه مجلسی در بحار الأنوار در باب «اثبات المعراج و کیفیت» بیان می‌کند که عروج حضرت به بیت المقدس و از آنجا به آسمان در یک شب با بدن شریف ایشان بوده است و انکار این مطلب را از کمی تحقیق و جست‌وجو در آثار ائمه یا از کمی دین‌داری و ضعف یقین می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۸۲).

درباره مکان آغاز معراج، اکثر مفسرین و مورخین منزل ام‌هانی، دختر ابوطالب و همسر هبیره بن مخزومی را مکان معراج دانسته‌اند. این گروه آیه اول سوره اسراء را که مبدأ معراج را مسجدالحرام می‌داند، تأویل می‌کنند و می‌گویند: مقصود تمامی حرم است که آن را مجازاً مسجدالحرام می‌گویند. طبرسی این قول را نظر اکثریت می‌داند و می‌نویسد: اکثر مفسرین می‌گویند که پیامبر از خانه ام‌هانی، خواهر علی رضی الله عنه، سیر داده شد و همسر ام‌هانی، یعنی هبیره بن ابی‌وهب المخزومی، آن شب را در آن خانه خوابیده بود (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۶۱۱). شبیه این مطلب در تفسیر روح البیان (حقی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۰۴) و روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (رازی نیشابوری، ۱۳۷۶، ج ۱۲، ص ۱۲۸) نیز آمده است. از میان مورخین، ابن هشام و یعقوبی نیز خانه ام‌هانی را مکان معراج می‌دانند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۲؛ یعقوبی، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۲۶).

در مورد زمان معراج و تاریخ وقوع آن، علامه طباطبائی اختلافات در این زمینه را چنین بیان می‌کند: برخی مانند ابن عباس قائل به سال دوم بعثت بوده‌اند؛ عده‌ای سال سوم بعثت و گروهی سال پنجم و ششم را زمان معراج می‌دانند؛

برخی ده سال و سه ماه بعد از بعثت، بعضی دوازده سال بعد از آن و بعضی یک سال و پنج ماه قبل از هجرت و بعضی یک سال و سه ماه قبل از آن و بعضی شش ماه قبل از آن را اعتقاد دارند (طباطبائی، ۱۳۷۵ق، ج ۱۳، ص ۵۰). بیشتر روایات (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۳۱۹؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۱۳) از وسیلهٔ معراج با عنوان «بُرّاق» یاد کرده‌اند. براق از مادهٔ «ب ر ق» است؛ به دلیل حرکت آن، که مانند برق حرکتی تند و سریع دارد. گروهی هم دلیل این ریشه را نور بسیار قوی آن، که مانند برق است، بیان کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۸۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۳۸).

۳. معراج‌کنندگان در متون مکاشفه‌ای زرتشتی

در این بخش به بررسی متون مکاشفه‌ای زردشتی می‌پردازیم و مهم‌ترین اشخاصی را که به جریان معراج آنها اشاره شده است، بیان می‌کنیم.

۳-۱. معراج زردشت

طبق تحقیقات انجام‌شده توسط ایران‌پژوهان، دین زرتشتی دارای نمونه‌های زیادی از اعتقاد به عروج شخصیت‌ها و افراد مطرح در این دین به عوالم ماورایی است. قدیمی‌ترین و شاید مهم‌ترین این سیر و سلوک‌های معنوی، منسوب به پیامبر این دین، یعنی زرتشت است. بعد از زرتشت، در متون مقدس این دین، بحث دربارهٔ عروج و سلوک گشتاسپ است. از میان متون آیین زردشت، یسنه، هات ۴۳، به روشنی به این دیدار زرتشت اشاره کرده است:

ای مزدا اهورا! به درستی که تو را پاک شناخته و یافتیم آن زمان که «منش نیک» نزد من آمد و پرسید: «چه کسی هستی و از کدام خاندانی و در برابر پرسش‌ها و دودلی‌های روزانهٔ زندگی خود و جهان اطراف خود، کدام راه را می‌نمایی و می‌شناسانی؟» آن‌گاه به او پاسخ دادم که: «منم زرتشت که با همهٔ توان خویش دشمن سرسخت دروندان و پناه نیرومند آشونانم» (یسنه، هات ۴۳، بند ۷-۱۱).

یکی از منابعی که به‌طور کامل به موضوع گفت‌وگوی زرتشت و اورمزد اختصاص دارد، کتاب پهلوی زند بهمن یشت است. این کتاب از شناخته‌شده‌ترین منابع مکاشفه‌ای ایرانی و متعلق به نویسنده یا نویسندگانی ناشناس است که در آن، اورمزد در مکاشفه‌ای رویدادهای آیندهٔ ایران را تا پایان عمر جهان برای زرتشت پیشگویی می‌کند (راشد محصل، ۱۳۸۵، ص ۷). مهم‌ترین آموزه‌های مکاشفه‌ای این کتاب عبارت‌اند از: تقسیم عمر جهان به چهار یا هفت دوره؛ خبر از رویدادهایی که در دورهٔ آخر (آخرالزمان) روی خواهند داد؛ بیان پاره‌ای از نشانه‌های آن دوره؛ گسترش و افزایش نیروهای اهریمنی، از جمله رهایی ضحاک از بند؛ ظهور منجیان سه‌گانهٔ زرتشتی؛ و نبرد نهایی خیر و شر و نابودی همیشگی اهریمن و قوایش به‌دست آخرین منجی (سوشیانس) و یاران اسطوره‌ای او.

۳-۲. معراج کرتیر

کرتیر روحانی پرنفوذ زرتشتی است که در زمان حکومت شش پادشاه ساسانی، از اردشیر بابکان تا نرسه، زندگی می‌کرد و سرنوشت همهٔ کشور به مدت بیش از یک ربع قرن در دست او بود (کمالی سروستانی، ۱۳۸۹، ص ۷۲۳). وی مردی

سختگیر و هراس‌انگیز بود که با تعصب بسیار برای تبلیغ و ترویج آیین زرتشتی، به‌عنوان یگانه دین رسمی شاهنشاهی ساسانی، تلاش‌های زیادی کرد و پیروز شد (سمیعی گیلانی، ۱۳۹۱، ص ۱۵).

کرتیر برای اثبات حقانیت خویش، در دو کتیبه سرمشهد و نقش رستم از عروجش به عوالم بالا سخن گفته است و در کتیبه نقش رجب به این موضوع اشاره‌ای می‌کند و در کتیبه سرمشهد هم نقش برجسته‌ای از آن وجود دارد. در ابتدای کتیبه، کرتیر بیان می‌کند که چون مطیع ایزدان بوده است، آنها نیز او را محترم شمرد و به او مقام بالایی در کشور داده‌اند. در ادامه از ایزدان می‌خواهد که جهان دیگر و تأثیر کارهای نیک و بد در این جهان و آن جهان و راه شناخت و معرفت به بهشت و دوزخ و رستگاری پس از مرگ را به او نشان دهند. پس از عبور از پل، به ایوانی داخل می‌شود و دین و همزاد کرتیر بالا می‌روند و در محل خاصی می‌نشینند. در کتیبه از کاخ‌های مختلف و سفر آسمانی در سه یا چهار مرحله (مطابق طبقات آسمان) سخن به میان آمده است. بالاخره به حضور اهورامزدا می‌رسند و اهورامزدا با انگشت، همزاد کرتیر را نشان می‌دهد و لبخند رضایت می‌زند. به علت گذشت زمان، متن کتیبه محو شده است و از حوادث بعدی اطلاعی در دست نیست (کمالی سروستانی، ۱۳۸۹، ص ۷۳۳-۷۳۵).

۳-۳. معراج ارداویراف

ارداویراف یک قدیس و موبد زرتشتی است که در عالم خواب و مکاشفه به دنیای ارواح عروج می‌کند تا در آنجا حقیقت زندگی پس از مرگ را به چشم خود ببیند و خبر آن را برای اهل زمین بیاورد (عقیقی، ۱۳۷۲، ص ۲۳). ویراف در معراج خود از بهشت و جهنم دیدن می‌کند و روان پاکدینان و گنهکاران را در حال نوازش و عذاب الهی می‌بیند. روایت ویراف از بهشت و جهنم صحنه‌هایی شیرین و دلخراش از سرانجام آدمیان را نشان می‌دهد؛ صحنه‌هایی که به قول استاد دکتر افتخارزاده می‌توانست رعایای ایرانی را تحت تأثیر قرار دهد و آنان را پیرو راستین پیشوایان آیین و رام و فرمان‌بردار شهیاران کند (افتخارزاده، ۱۳۷۷، ص ۶۹-۷۰). غیر از اشخاص یادشده، در متون کیش زردشت از معراج افراد دیگری همچون گشتاسب، جاماسب و آذرباد مهرسپندان (عقیقی، ۱۳۷۲، ص ۱۱) نیز سخن به میان آمده است که به‌منظور اختصار، از گزارش‌های رسیده در این خصوص پرهیز می‌کنیم.

۴. وجوه اشتراک و افتراق عوالم معنوی در احادیث معراجیه اسلامی و متون مکاشفه‌ای زرتشتی

به‌طور کلی باید این نکته را در نظر داشت که وجود فاصله چندصدساله بین انشای دو متن و تغییر شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در منطقه طی قرون، خود دلیل کافی بر وجود اختلاف بین گناهان و مجازات در دو متن است؛ برای مثال، زنان در ارداویراف‌نامه به‌علت عدم رعایت آداب دینی زرتشتی درباره حیض (دشتان) مجازات می‌شوند و زنان مسلمان برای عدم رعایت غسل‌هایی مانند حیض و جنابت. همچنین مجازات‌های مشابه ممکن است به گناهان متفاوت تعلق بگیرد. علاوه بر روش‌های مشابه مجازات و مشابهت تقریبی گناهان، واقعیت‌های زیر نیز تحت نفوذ

این آرا از اعتقادات زرتشتی به اسلامی بسیار محتمل است:

- عدم وجود چنین مجازات‌هایی برای زنان در قرآن به‌عنوان معتبرترین متن مسلمانان.

- عدم وجود کمترین شاهد تاریخی بر برخورد خشن پیامبر ﷺ با زنان مسلمان و زنان خود حتی در حین مواجهه با رفتارهایی که او را ناراحت می‌کرد.

- تقدم روایات زرتشتی بر مشابه اسلامی آن.

- شکل‌گیری مدل اسلامی این داستان‌ها در محدوده سابق حکومت ساسانیان و فرهنگ ساسانی - زرتشتی، و توسط ایرانیان مسلمان شده که به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین راه‌های انتقال فرهنگ ساسانی - زرتشتی به اسلام بودند (ر.ک: یارشاطر، ۱۳۸۱).

۴-۱. معراج جسمانی یا روحانی

با بررسی‌های صورت‌گرفته در دو متن، روشن می‌شود که طبق آیات و روایات، معراج پیامبر اسلام ﷺ جسمانی و روحانی بوده است؛ ولی در دین زرتشت، افرادی که برایشان ادعای عروج به عوالم معنوی شده، در عالم خواب و رؤیا این مسیر را طی کرده‌اند (ر.ک: عقیفی، ۱۳۷۲، ص ۲۳).

۴-۲. تعدد معراج

با توجه به بعضی احادیث و آیات قرآن می‌توان چنین نتیجه گرفت که معراج رسول خدا ﷺ یک بار نبود. تعداد سفرهای معراج پیامبر ﷺ در روایات، متفاوت و متعدد بیان شده است و تعداد آن را دو (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۱۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۳۰۶، ح ۱۳) و حتی ۱۲۰ بار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۴۰۵، ح ۱۱۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۹۱؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ص ۶۰۰ ح ۳) بیان کرده‌اند. برخی از مفسران اختلافی را که در بین روایات دیده می‌شود، به سبب تعدد در معراج تلقی می‌کنند و احتمال می‌دهند که هریک از روایات درباره یکی از معراج‌ها بوده است (طباطبائی، ۱۳۷۵ق، ج ۱۹، ص ۳۱)؛ اما در آیین زرتشتی در مورد افرادی که به این حالت مکاشفه و سفر معنوی دست یافته‌اند، به یک سفر اشاره شده است.

۴-۳. وسیله معراج

طبق اغلب روایات، «بَراق» وسیله معراج پیامبر اسلام ﷺ به آسمان‌هاست. وسیله‌ای غیرمادی و غیرطبیعی که به سرعت نور در عوالم مختلف سیر می‌کند؛ اما در دین زرتشتی سخنی از این مباحث به‌میان نیامده است.

۵. مشاهدات

در این بخش به بررسی مشاهدات در متون اسلامی و زرتشتی پرداخته می‌شود.

۵-۱. مشاهده دوزخ

یکی از مشاهدات معراجیه در متون اسلامی، مشاهده دوزخ و اهل آن و جزئیات عذاب آنها در آنجاست که این

مطلب طبق گزارش شیخ صدوق در کتاب *عیون اخبار الرضا*، از رسول خدا ﷺ نقل شده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۰). در این روایت، رسول خدا ﷺ زانی را مشاهده می‌کنند که از موی سر و برخی از زبان و پستان آویخته بودند و زن‌هایی کر و کور و بیمار و شبیه به خوک و حیوانات را گرفتار عذاب‌های مختلف می‌بینند و علت این عذاب‌ها را عدم رعایت حجاب نزد نامحرم، عدم اطاعت از همسران و تمکین نکردن در برابر آنان، آراستن خود برای دیگران، عدم رعایت طهارت بدن و لباس و غسل نکردن برای حیض و جنابت، بی‌اهمیت بودن به نماز، زناکاری و ... بیان می‌فرمایند.

در متون زردشتی نیز صحنه‌هایی که ویراف از جهنم روایت می‌کند، صحنه‌هایی است از زنان بدکار که در فرگرد (فصل) ۲۴، ۲۶، ۳۴، ۶۹، ۷۰ و ۷۲ از ارداویراف‌نامه آمده است. برای نمونه:

فرگرد ۲۴: دیدم روان زنی که به پستان در دوزخ آویخته بود و جانوران مودی همه به تن او روی آورده بودند. پرسیدم: این تن چه گناه کرد که روانش این‌گونه بادافراه (زجر و شکنجه) برد؟ سروش اهر و ایزد آذر گفتند که این روان آن بدکیش زن است که در گیتی شوی خویش هشت و تن به مردی بیگانه داد و روسپیگری کرد.

فرگرد ۷۰: دیدم روان زنان که نگون سر افکنده‌اند و خارپشت مانند آهن با خار بر آن رسته به تن اندر برده و باز آهیخته‌اند... دیوان و دروغان تعفن و چرک به دهان و بینی اندر همی رفت انگشت زهباک (به اندازه یک انگشت). پرسیدم که این تن چه گناه کرد و روان‌های که هستند که آن‌گونه گران بادافراه برند؟ سروش اهر و ایزد آذر گفتند که این روان آن بدکیش زنان است که به گیتی پیمان‌شکنی اندر شوی کردند و شوی را بازداشتند و هرگز خشنود نبود...

فرگرد ۷۲: دیدم روان زانی که دشتان (خون حیض) خود همی‌خورند. پرسیدم: چه گناه کردند؟ گفتند: روان آن بدکیشان است که در ایام حیض نپرهیختند و آب و آتش و زمین و خرداد و امرداد آزدند و بر آسمان و خورشید و ماه نگاه کردند و ستور و گوسفند در حیض آزدند و مرد پاک را ریمن (چرک) کردند.

۵-۲. مشاهده فرشتگان

یکی دیگر از این مشاهدات، فرشتگان‌اند که در متون اسلامی و زرتشتی به‌طور مشترک قابل مشاهده است. طبق روایتی که علی‌بن‌ابراهیم از امام صادق ع روایت کرده است، رسول خدا ﷺ فرشته‌ای بزرگ با چهره‌ای درهم و خشمناک می‌بیند که به حضرت تبریک و تهنیت گفت و اصلاً خندان نبود و جبرئیل نام او را «مالک» معرفی کرد که خازن دوزخ است و هرگز نمی‌خندد و مدام بر دشمنان الهی و افراد گناهکار خشمگین است. پیامبر ص بعد از سلام بر او، از جبرئیل خواست که دوزخ را به حضرت نشان دهند. دوزخی که آتش فراوان و عجیب بود و حضرت گمان کرد که همه را دربر می‌گیرد. در ادامه، حضرت در آنجا ملک‌الموت را دید که لوحی از نور در دست داشت و او به حضرت گفت که همه دنیا در دست او مثل درهم و سکه‌ای است که در دست مردی است و او آن را پشت و رو می‌کند و به همه خانه‌ها هر روز پنج مرتبه سر می‌زند...

در ادامه این نقل آمده است که رسول خدا ﷺ به سوی آسمان سوم بالا رفتند و در آنجا یوسفؑ را دیدند که مثل شب چهارده زیبا و درخشان بود. حضرت به ایشان نیز سلام کردند و جواب سلام و تهنیت ورود شنیدند و مجدداً ملائکهٔ زیادی در آنجا مشاهده کردند. در مرحلهٔ بعدی به آسمان چهارم و سپس به آسمان پنجم رفتند و ملائکهٔ الهی را مانند سایر آسمان‌ها مشاهده کردند. سپس به آسمان ششم رفتند و موسی بن عمرانؑ را دیدند و سلام کردند و جواب سلام و تهنیت شنیدند و ملائکهٔ بسیاری را مشاهده فرمودند. در آسمان هفتم، فرشته‌ها به حضرت انجام حجامت را سفارش کردند و حضرت در آنجا ابراهیمؑ را دیدند که سلام کردند و جواب شنیدند و فرشته‌های الهی را دیدند. دریاهایی از نور و ظلمت و برف و یخ را دیدند که جبرئیل گفت: این قسمتی از مخلوقات خداست (طباطبائی، ۱۳۷۵ق، ج ۱۳، ص ۹-۱۱؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳-۱۰).

در متون زرتشتی نیز مشاهدهٔ فرشتگان در موارد متعددی ذکر شده است؛ برای نمونه:

روان ویراف به کوه چکاددائیتی و پل چینود می‌رود و در آنجا با استقبال سروش پاک و ایزد آذر و با همراهی آنان به راحتی از پل چینود عبور می‌کند. چینود پلی است که برای آزمایش ارواح مردگان برپا می‌شود و برای نیکوکاران به پهنای نه نیزه باز است؛ ولی برای گناهکاران مانند لبهٔ شمشیر تیز و باریک و برنده است. ویراف بر روی پل چینود، ایزد رشن (ایزد دادگری) را می‌بیند که با همراهی دیگر ایزدان مشغول سنجش و محاسبهٔ اعمال پرهیزگاران و گناهکاران است. او با راهنمایی این دو ایزد، نخست به اعراف «همیستان» (برزخ؛ جایی که افراد ثواب و گناهانشان برابر است)، بعد به بهشت و سپس به دوزخ می‌رود و آن مکان‌ها را مشاهده می‌کند. در پایان این سفر، پس از دیدار و همنشینی با اهورامزدا، به زمین بازمی‌گردد و آنچه مشاهده کرده است، به موبدان و دیگر مردم خبر می‌دهد (عقیقی، ۱۳۷۲، ص ۲۳-۳۱).

همچنین دربارهٔ کرتیر آمده است:

کرتیر شهریاری را می‌بیند که بر اسبی سوار است و در دست درفش دارد؛ سپس همزاد کرتیر که بر روی تختی نشسته است، ظاهر می‌شود؛ سپس کرتیر در این حالت عرفانی و کشف و شهود، زنی شریف را می‌بیند که این زن تجلی دین است. او به همزاد کرتیر خوشامد می‌گوید و با هم رهسپار راه نور می‌شوند. در راه شهریاری را با ترازویی در دست می‌بیند که ایزد رشن است و وظیفهٔ سنجش اعمال مردم پس از مرگ بر عهدهٔ اوست. دین و همزاد کرتیر در برابر این شهریار می‌ایستد و سپس دست در دست هم به سوی مشرق به راه خویش ادامه می‌دهند. در ادامه به شهریار دیگری می‌رسند و در آنجا چاه دوزه را می‌بینند و باید از پل چینود که مسیری بس باریک است، رد شوند. پل برای آنها وسیع می‌شود و آنها عبور می‌کنند. پس از عبور از پل، به ایوانی داخل می‌شوند و دین و همزاد کرتیر بالا می‌روند و در محل خاصی می‌نشینند. در کتیبه، از کاخ‌های

مختلف و سفر آسمانی در سه یا چهار مرحله (مطابق با طبقات آسمان) سخن به میان آمده است. بالاخره به حضور اهورامزدا می‌رسند و اهورامزدا با انگشت، همزاد کرتیر را نشان می‌دهد و لبخند رضایت می‌زند (کمالی سروستانی، ۱۳۸۹، ص ۷۳۳-۷۳۵).

درباره مشاهده زرتشت از فرشتگان (در عالم خواب و رؤیا) آمده است:

زرتشت «در روز انیران سی‌ام ماه از ماه اسفندار مد» به مرز ایران رسید و در جشن «بهار بوده» یا «مدیو - زرمی»، که جشنی بهاری است و ۴۵ روز پس از پایان اسفند ماه برگزار می‌شد، شرکت کرد. در پایان همین جشن، در روز پانزدهم اردیبهشت (روز دی به مهر از ماه اردیبهشت)، صبح زود برای نیایش و به جای آوردن رسم دیرینه تهیه شیرۀ گیاه هوم (میهومیگان) به رودخانه دایتی رفت و سر و تن خویش را در آب پاک دایتی شست و شو داد (دینکرد هفتم، بی‌تا، بخش ۳، ص ۵۳-۵۴). زرتشت با بیرون آمدن از آب، پاکیزه‌تن و پاکیزه‌روان و تازه می‌شود و از لطافت سحرگاه اردیبهشتی به مکاشفه‌ای سرنوشت‌ساز دست می‌یابد. در ساحل رودخانه، بهمن امشاسپند را مشاهده می‌کند که در برابر او ایستاده است. بهمن پس از نمایان کردن خود بر زرتشت، از او پرسش‌هایی می‌کند که در بند ۷ تا ۹ یسنه ۴۳ خلاصه شده است. گزارش گزیده‌های زادسپرم و دینکرد هفتم از این مرحله از مکاشفه، چیزی افزون بر همین بندهای گاهان نیست (دینکرد هفتم، بی‌تا، بخش ۳، ص ۵۳-۵۵).

۵-۳. مشاهده بهشت

در متون اسلامی، گزارش‌هایی از مشاهده بهشت در معراج رسول خدا ﷺ آمده است. در حدیثی رسول خدا ﷺ فرمودند: در شب معراج وارد بهشت شدم و دشت‌های سفیدی را دیدم که فرشتگان الهی با خشت‌های طلا و نقره در آنجا ساختمان می‌ساختند و گاهی دست از کار می‌کشیدند. این فرشتگان الهی علت این کارشان را انتظار برای رسیدن مصالح بیان کردند. وقتی مؤمنی در دنیا تسبیحات اربعه (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر) می‌گوید، به فرشتگان مصالح می‌رسد و شروع به ساختن می‌کنند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۱).

در متون زرتشتی نیز مشاهده کرتیر و ویراف از بهشت دیده می‌شود:

در مورد کرتیر آمده است: [در عالم خواب و رؤیا] پس از عبور از پل به ایوانی داخل می‌شوند و دین و همزاد کرتیر بالا می‌روند و در محل خاصی می‌نشینند. در کتیبه، از کاخ‌های مختلف و سفر آسمانی در سه یا چهار مرحله (مطابق طبقات آسمان) سخن به میان آمده است. بالاخره به حضور اهورامزدا می‌رسند و اهورامزدا با انگشت، همزاد کرتیر را نشان می‌دهد و لبخند رضایت می‌زند (کمالی سروستانی، ۱۳۸۹، ص ۷۳۳-۷۳۵).

در مورد ویراف آمده است: او با راهنمایی دو ایزد همراهش، ابتدا به اعراف (همیستان)، سپس به بهشت و در ادامه به دوزخ می‌رود و از آن مکان‌ها دیدن می‌کند. ویراف در پایان سفر، پس از دیدار و همشینی با اهورامزدا، به زمین برمی‌گردد و مشاهدات خود را به موبدان و دیگر مردم اطلاع می‌دهد (عفیفی، ۱۳۷۲، ص ۳۱).

۵-۴. ملاقات با خدا

در حدیث آمده است که وقتی پیامبر ﷺ به سدره‌المنتهی رسیدند، جبرئیل از ادامه راه بازماند و گفت که اینجا آخرین محلی است که اجازه صعود دارد و بالاتر از این، بال و پرش می‌سوزد. حضرت می‌فرمایند: من پیش رفتم تا آن‌گاه که خداوند مرا متوقف کرد و مرا مخاطب ساخت و با من سخنانی گفت (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۳۸).

در مورد ملاقات زرتشت نیز آمده است:

زرتشت شگفت‌زده از این منظره و خرسند از این باریابی، پیش رفت و در خور شأن و جایگاه اهورامزدا و امشاسپندان به آنها نماز برد و سپس در جایگاه پرسشگران نشست و از اهورامزدا درباره برترین چیزها می‌پرسید. اهورامزدا نخستین برتری را اندیشه نیک و دومین را گفتار نیک و سومین را کردار نیک برمی‌شمارد و نیکوترین چیز را فرمان‌برداری از امشاسپندان معرفی می‌کند؛ سپس درباره جدایی همیشگی مینوی افزونی (سپند مینو) از اهریمن بدکار به زرتشت خبر می‌دهد (وزیدگیهای زاداسپر، ۱۸۹۷م، فصل ۲۲، ص ۷-۱).

۵-۵. سایر مشاهدات در گزارش‌های معراج

در روایات معراجیه بر این موضوع بسیار تأکید شده و گزارش‌های مفصلی درباره ملاقات رسول خدا ﷺ با انبیای سابق همچون آدم، ادریس، عیسی، یوسف و... بیان شده است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۳). در این مورد در گزارش‌های منابع زرتشتی مطلبی مشاهده نشده است.

همچنین در گزارش‌های اسلامی درباره عبور پیامبر ﷺ از دریاها و نور و ظلمت و دریاهایی از برف و یخ مطالبی آمده و در منابع زرتشتی نیز در این زمینه، عبور زرتشت از آزمون‌های خطیر گزارش شده است:

پس از این گفت‌وگوها، زرتشت وارد سه آزمون خطیر دینی می‌شود: نخست گذشتن از کوره یا کوهی از آتش؛ دوم ریختن روی گداخته بر سینه او؛ و سوم پاره کردن شکم او با کارد. زرتشت به نیروی ایمان از همه آزمایش‌ها سربلند بیرون می‌آید (منتخب زاداسپر، ۱۸۹۷م، فصل ۲۱، ص ۲۵).

همچنین در گزارش‌های اسلامی و منابع زرتشتی، ملاقات اهل دوزخ و زنان و مردان بدکار آمده است که پیش‌تر بخشی از آن نقل شد (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۲-۱۴).

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحثی که در این نوشتار بیان شد، معراج در برخی ادیان از جمله اسلام و آیین زرتشت به‌عنوان موضوعی مهم و اعتقادی مطرح شده است. اعتقاد به معراج در اسلام از ضروریات دین به‌شمار رفته و در کتاب آسمانی قرآن آیاتی در تشریح آن بیان شده است. در معراج پیامبر اکرم ﷺ اراده الهی بر سفر جسمانی و روحانی تعلق می‌گیرد و حضرت رسول ﷺ به سفری خاص و نورانی می‌روند.

در متون زرتشتی از عروج چند نفر و حالات آنها صحبت به میان آمده است؛ حال آنکه در اسلام معراج از ویژگی‌های پیامبر ﷺ است و درباره افراد شاخص، مانند امامان معصومین، سخنی از معراج بیان نشده است.

تعداد معراج پیامبر اسلام ﷺ در روایات، متفاوت و متعدد بیان شده؛ اما در دین زرتشت در مورد افرادی که به این سفر معنوی رفته‌اند، به یک سفر اشاره شده است.

مباحثی که در متون معراجی اسلام مطرح است، شامل دوزخ و زنان بدکار، دیدار با فرشتگان، بهشت، مناجات با خداوند، عبور از دریاها و نور و ظلمت و دریا‌هایی از برف و یخ، مشاهده ارواح پیامبران و ... است.

در متون زرتشتی نیز این مباحث مطرح شده است: دوزخ و صحنه‌هایی از زنان بدکار؛ بهشت؛ دیدار و صحبت با اهورامزدا؛ گذشتن از کوره یا کوهی از آتش؛ ریختن روی گداخته بر سینه و پاره کردن شکم با کارد؛ و دنیای ارواح؛ که نشان از مشابهت برخی متون روایی اسلام با متون زرتشتی دارد.

در پایان باید گفت که انسان به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین دارای قدرت روحی بالایی است و توانایی حرکت به سمت رشد و تعالی و دستیابی به عوالم معنوی مختلفی را دارد و این امر با موضوع معراج در اسلام تفاوت دارد؛ چراکه معراج امری خاص و مخصوص به نبی مکرم اسلام ﷺ است.



منابع

قرآن کریم.

ابن فارس، احمد (۱۳۸۹ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الفكر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). لسان العرب. قم: ادب الحوزه.

ابن هشام، عبدالملک (بی تا). سيرة النبویه، بیروت: دار المعرفه.

افتخارزاده، محمودرضا (۱۳۷۷). ایران؛ آیین و فرهنگ. تهران: رسالت.

حقی، اسماعیل بن مصطفی (۱۴۰۵ق). تفسیر روح البیان. بیروت: دار الفكر.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.

رازی نیشابوری، حسین بن علی (۱۲۷۶). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.

راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵). زند بهمن یسن: تصحیح متن، آوانویسی، برگردان فارسی و یادداشت ها. تهران: پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی.

راشد محصل، محمدتقی (مترجم) (بی تا). دینکرد هفتم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

راشد محصل، محمدتقی (مترجم) (۱۸۹۷). وزیدگی های زاداسپریم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

الزبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس. تحقیق: علی شیری. بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف. بیروت: دار الکتاب العربی.

سمیعی گیلائی، احمد (۱۳۹۱). آشنایی با ادبیات عصر اشکانی و ساسانی (نگاشته ها و نوشته های زبان های ایرانی دوره میانه). تهران: سخن.

سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۱۴ق). الدر المنثور. بیروت: دار الفكر.

شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). النخصال. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶). الامالی. تهران: کتابچی.

شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا. تهران: جهان.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۵ق). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دار الکتب اسلامی.

طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن (۱۴۰۸ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضویه.

طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عقیقی، رحیم (۱۳۷۲). ارداویراف نامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی. تهران: توس.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۱ق). تفسیر کبیر مفاتیح الغیب. ترجمه علی اصغر حلبی. تهران: اساطیر.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۶ق). تفسیر الصافی، قم: مؤسسه الهادی.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. قم: دار الکتاب.

قیصری رومی، محمد داوود (۱۳۸۶). شرح فصوص الحکم، تهران: علمی و فرهنگی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). فروع الکافی، قم: قدس.

کمالی سروستانی، کوروش (۱۳۸۹). یکی قطره باران: گزیده متون ادب فارسی و آیین نگارش، تهران: قلمکده.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. قم: دار احیاء التراث العربی.
 مسعودی، علی بن حسین (۴۰۹ق). *مروج الذهب*. قم: مؤسسه دار الهجره.
 یارشاطر، احسان (۱۳۸۱). *حضور ایران در جهان اسلام*. ترجمه فریدون مجلسی. تهران: مروارید.
 یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۳۹). *تاریخ یعقوبی*. بیروت: دار صادر.

Holy Quran.

- Afiyfi, Rahim (1993). *Ardavirafname or Heaven and Hell in Mazdean Faith*. Tehran: Tous.
- Al-Zabidi, Mortaza (1993). *Taj al-Arous*. Research by Ali Shiri. Beirut: Dar al-Fikr for Printing and Publishing.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1958). *Loghatnameh*. Tehran: University of Tehran.
- Denkard Book 7 (Undated). *Marvels of Zoroastrianism*. Translation by E. W. West. Sacred.
- Faiz Kashani, Mulla Mohsen (1995). *Tafsir al-Safi*. Qom: Muassassa al-Hadi.
- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar (1991). *Tafsir Kabir Mafatih al-Ghayb*. Translation by Ali Asghar Halabi. Tehran: Asatir.
- Haqqi, Ismail bin Mustafa (1984). *Tafsir Ruh al-Bayan*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Faris, Ahmad (1969). *Mu'jam Maqayis al-Lughah*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Hisham, Abdulmalik (Undated). *Sirat al-Nabawiyyah*. Beirut: Dar al-Ma'rifa.
- Ibn Manzur, Muhammad bin Makram (1984). *Lisan al-Arab*. Qom: Adab al-Hawzah.
- Ifitkharezadeh, Mahmoudreza (1998). *Iran: Ayin va Farhang*. Tehran: Rasalat.
- Kamali Sarvestani, Kourosh (2010). *Yeki Qatre Baran: Selection of Persian Literary Texts and Writing Style*. Tehran: Ghalamkadeh.
- Kulayni, Muhammad bin Ya'qub (2009). *Furu al-Kafi*. Qom: Quds.
- Majlesi, Muhammad Baqer (1982). *Bihar al-Anwar*. Qom: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Mas'udi, Ali bin al-Hussein (1988). *Muruj al-Dhahab*. Qom: Muassassa Dar al-Hijra.
- Qaysari Rumi, Muhammad Dawood (2007). *Sharh Fusus al-Hikam*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing.
- Qomi, Ali bin Ibrahim (1983). *Tafsir al-Qomi*. Qom: Dar al-Kitab.
- Rashed Mohassel, Mohammad Taghi (2006). *Zend Bahman Yasn: Text Correction, Transcription, Persian Translation and Notes*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Rashed Mohassel, Mohammad Taghi (Translator) (1897). *Vizidagiha-i Zadspram*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Rashed Mohassel, Mohammad Taghi (Translator) (Undated). *Denkard Seventh*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Razi Neyshaburi, Hussein bin Ali (1997). *Rawz al-Janan wa Ruh al-Janan fi Tafsir al-Quran*. Mashhad: Astan Quds Razavi, Foundation for Islamic Research.
- Samiei Gilani, Ahmad (2012). *Introduction to Literature of Ashkanian and Sassanian Eras (Writings and Texts of Middle Iranian Languages)*. Tehran: Sokhan.

- Sheikh Saduq, Muhammad bin Ali (1983). *Al-Khisal*. Qom: University of Teachers, Islamic Seminary.
- Sheikh Saduq, Muhammad bin Ali (1997). *Al-Amali*. Tehran: Ketabchi.
- Sheikh Saduq, Muhammad bin Ali (1999). *Uyoun Akhbar al-Rida*. Tehran: Jahan.
- Suyuti, Abdulrahman (1993). *Al-Durr al-Manthur*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Tabarsi, Abu Ali Fazl bin al-Hasan (1987). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Dar al-Ma'rifa.
- Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islami.
- Tarihi, Fakhraddin bin Muhammad (1996). *Majma al-Bahrain*. Tehran: Maktabat al-Murtazawiya.
- Tusi, Abu Jafar Muhammad bin al-Hasan (1988). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Ya'qoubi, Ahmad bin Ishaq (1960). *Tarikh Ya'qoubi*. Beirut: Dar Sader.
- Yarshater, Ehsan (2002). *Iran's Presence in the Islamic World*. Translation by Fereydoun Moein. Tehran: Morvarid.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1986). *Al-Kashshaf*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

